

معنا شناسی واژه شهادت در نظام معنایی قرآن

محمد عظیمی ده علی^۱

چکیده

یکی از واژه‌های قرآنی که در جامعه ما به معنای جامع و مانعش به کار نمی‌رود، بلکه معنایی ناقص از آن ارائه می‌گردد، واژه شهادت است؛ واژه‌ای که در قرآن به چند معنای در طول هم به کار رفته است. شهادت به اقسام قولی و عملی و به معنای گواهان اسلام بودن به شکل‌های گوناگون از جمله باکمک عقل و شرع، همچنین شاهد و بینا به اعمال افراد بودن و نیز به معنای کشته شدن در راه خدا - که معنای مشهور آن می‌باشد - به کار رفته است. لذا ما در این مقاله می‌کوشیم به بررسی روابط بینامتنی و بررسی معنا شناسانه واژه شهادت پرداخته، در عمق لایه‌های معنایی قرآن به مفهوم والای شهادت دست یابیم و این غبار مهجوریت را از این واژه قرآن بزدااییم.

کلید واژه‌ها: معنا شناسی شهادت، تبعیت از حق، شهادت در قرآن، شهادت عملی و قولی.

مقدمه

در این نوشتار به بررسی روابط بینامتنی و بررسی معنا شناسانه مؤلفه شهادت می‌پردازیم و بایاری جستن از مهارت‌های معنا شناسی این موضوع به اثبات می‌رسد که

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آیه‌الله حابری میبد

شهادت در قرآن، خود مرتبه‌ای از علم است و مشخص می‌شود که شرط تبعیت مطلوب در شهادت دادن به حقیقت که از مؤلفه‌های اصلی ایمان است می‌باشد. همچنین هم‌گرایی شهادت با عمل از اهمیت زیادی برخوردار است و تنها با شهادت عملی دادن است که تبعیت مطلوب شکل می‌گیرد. از طرفی معنای شهادت در قرآن این است که مسلمین گواهان خوبی برای دیگران در زمینه حقانیت دین اسلام باشند. این شهادت به معنای گواه عالی بردین و واسطه میان پیامبر ﷺ و مسلمین در گواهی بردین اسلام بودن است که مراتب بالاتر معنای اخیر به رسول خدا ﷺ و امامان علیهم‌السلام اختصاص دارد که میان خدا و مردم گواه دین‌اند. در قسم دیگر این معنا مؤلفه قیامت هم نقش آفرینی دارد و بر اساس آن شهداء که مصداق بارز آنها پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام هستند، بر اعمال مردمان شاهدند، تا در روز قیامت گواهان اعمال باشند. در واقع این بزرگواران به قلوب و اعمال انسان‌ها از جانب خداوند شاهد بوده، علم دارند و این آگاهی مقدمه و بستری برای تصرفات تکوینی آنان است. در این راستا به دریافت مؤلفه‌ها و تصورهایی برای یافتن روابط مفهوم کانونی و کلیدی شهادت با دیگر مؤلفه‌های درونی که شامل مفاهیم مترادف و هم‌نشین است پرداخته، کوشیدیم تا در فهم مؤلفه‌های معنایی خاص و فهم معنایی واژگان مرتبط که منجر به تعیین حدود واژه شهادت می‌شود بهره‌مند گردیم. بدین ترتیب با تعیین حوزه و دامنه شهادت دیگر مؤلفه‌های موجود بررسی شده، در نهایت به ترسیم و کشف میدان معنا شناختی شهادت می‌پردازیم.

در خصوص پیشینه موضوع این مقاله به کتاب بررسی شهید و شهادت از دیدگاه قرآن و حدیث، تألیف مرضیه قاسمی و مقاله «آیه شریفه «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» در آیین تفسیر و تبیین‌های کلامی، حکمی و عرفانی»، به قلم امیر شیرزاد، می‌توان اشاره کرد.

مفهوم شناسی

معناشناسی کار کشف ساز و کارهای معنا را با مطالعه علمی به عهده دارد.^۱ زبان

۱. مطیع، مهدی و احمد پاکتچی و بهمن نامور مطلق، «درآمدی بر استفاده از روش‌های معناشناسی در مطالعات قرآنی»؛ پژوهش دینی، ش ۱۸، ۱۳۸۸ ش، ص ۱۱۲.

شناسی مطالعه علمی زبان است؛ پس معناشناسی هم نوعی مطالعه علمی است. مطالعه علمی عبارت از توصیف پدیده‌های زبانی در چارچوب یک نظام بدون هیچ پیش‌انگاره است. این توصیف باید از چنان صراحتی برخوردار باشد که بتوان صحت و سقمش را محک زد^۱. مراد ما از معناشناسی آن قسم از معناشناسی است که در مقابل نظام هرمنوتیکی مبنی بر اصالت متن (text as text) قرار دارد و در آن کوشش می‌شود تا از دیگر مکاتب در شاخه‌های گوناگون نشانه‌شناسی، کاربردشناسی و دیگر مکاتب معناشناسی اعم از مکتب پاریس و آمریکا و آلمان بهره‌وری شود.

بررسی لغوی واژه شهادت

شهادت به معنای حاضر بودن و گواه بودن با مشاهده چشم یا با اندیشه و بصیرت می‌باشد، واژه «شَهَادَة» در معنای حضور به صورت مفرد به کار می‌رود؛ مثل آیه: ﴿عَالَمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ﴾ (سجده/۶)، ولی به کار بردن واژه «شُهُود» یعنی حضور یافتن، به طور مجزّد شایسته‌تر است و «شهادة» با مشاهده شایسته‌تر. «الشَّهَادَة»؛ یعنی گواه بودن و سخن گفتن، که از روی علم و آگاهی و از طریق بصیرت یا دیدن با چشم حاصل شده است؛ مانند آیه: ﴿أَشْهَدُوا خَلْقَهُمْ﴾ (زخرف/۱۹)؛ «یعنی آیا با چشم خویش دیده‌اند»^۲. «شهید از اسمای خداست و گفته شده شهید کسی است که از علم او چیزی مخفی نمی‌باشد. وقتی علم به طور مطلق به کار رود علیم گفته می‌شود و در امور باطنی خبیر گفته می‌شود و شهادت خبر حتمی است»^۳.

«شهادت در فرهنگ عرب عصر نزول به معنای به شخص خود حاضر بودن در یک پیشامد و گواه بودن واقعی بر آنچه اتفاق افتاده است می‌باشد»^۴.
فرق علم و شهادت این است که شهادت علم به اشیاء است بدون وساطت چیزی و

۱. بنگرید به: صفوی، کورش، درآمدی بر معناشناسی، ص ۲۷-۲۸.

۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات، ص ۴۶۵.

۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۳، ص ۲۳۹.

۴. ایزوتسو، توشیهیکو، خدا و انسان در قرآن، ص ۱۰۴-۱۰۵.

در واقع اخص از علم است؛ چرا که علم با وساطت غیر از شهود هم به دست می آید و فرق شاهد و حاضر در این است که شاهد حتماً عالم هم هست، ولی حاضر این گونه نمی باشد. اصل واحد در این ماده، علم حضوری است نسبت به معلوم و مشاهده آن که در امور محسوس و معقول و معارف روحانی معلوم به کار می رود... و معنای جامع بین همه این موارد همان حضور همراه با تحقق علم به یکی از وسایل شناخت می باشد.^۱ «که نقطه مقابلش در آن فرهنگ غیب است، به معنای چیزی که در ماورای قدرت دریافت بشری به مادی ترین معنای آن قرار گرفته است.^۲ البته این معنا از شهادت در بالاترین قرآن در مراتب آن به خدا و پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام اشاره دارد؛ چرا که آنها عالم به مقوله حقانیت اسلام اند. همچنین این معنا از شهادت که بر اساس آن بر اعمال انسان ها گواه اند و لازمه این گواهی علم به اعمال آنهاست و گرنه شهادت در مراتب پایین تر به معنای حاضرانی که عالم به مسئله ای هستند به طور غیر شهودی به کار می رود و البته مراتب بالاتر این است که به حقانیت آن هم اذعان دارند؛ چه در گفتار و چه در عمل، چنان که شرح این موارد در ادامه خواهد آمد.

معنای شهید برای کشته شدگان در راه خداوند

بزرگانی چون علامه طباطبایی رحمته الله علیه^۳ و قرشی^۴ معتقدند که شهید به معنای مقتول در راه خدا در قرآن نیامده است مگر بنا بر بعضی از احادیث، ولی در اصطلاح و روایات بسیار هست. در قرآن فقط «قتل فی سبیل الله» به کار رفته است؛ مانند: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا﴾ (آل عمران / ۱۶۹). البته به این دیدگاه می توان خرده گرفت؛ چرا که اولاً واژه شهادت در عصر نزول کاربرد داشته^۵، ثانیاً سیاق برخی آیات حاوی شهادت

۱. مصطفوی، حسن، التحقيق، ج ۶، ص ۱۵۷-۱۶۰.

۲. همان، ج ۶، ص ۱۰۴.

۳. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۹.

۴. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۸۶.

۵. شواهدی کلی بر وجود معنای شهادت به معنای کشته شدن در راه خدا در لسان رسول خدا ﷺ: گفتار

و سبب نزول آنها با این معنا از شهادت سازگار است؛ برای مثال سبب نزول درآیه: ﴿وَيَتَّخِذْ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ﴾ (آل عمران / ۱۴۰) درباره کشته‌های اُحد است. ثالثاً مفسران بسیاری به این معنا در قرآن قائل اند^۲. بنابراین دلیلی باقی نمی‌ماند که گفته شود واژه شهید به معنای کشته شدن در راه خدا در قرآن کاربرد ندارد.

بیان اقسام شهادت و تعریف شهادت حقیقی

- شهادت به معنای اعتراف به دو گونه تقسیم می‌شود: اعتراف قولی؛ مانند اینکه فرد کافر با زبانش بگوید من کافر هستم، یا شهادت فعلی؛ مثل فرد بت پرست که عمل او به کفر درونی اش گواه است.

- معنای احتمالی دیگر شهادت الگوست. براین اساس، تعبیر به گواه بودن امت اسلامی بر مردم جهان، و همچنین گواه بودن پیامبر ﷺ نسبت به مسلمانان، ممکن است اشاره به اسوه و الگو بودن بوده باشد؛ چرا که گواهان و شاهدان را همیشه از میان افراد نمونه انتخاب می‌کنند.^۳ البته این معنا از شهادت در لغت و در قرآن شاهدی ندارد. بنابراین معنای گواه بودن را کافی می‌دانیم و می‌گوییم مراد این است که گواه بودن امت

→ رسول خدا ﷺ به فاطمه عليها السلام مبنی بر رسید الشهداء بودن حضرت حمزه (مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۲۸۰)؛ به کار برده شدن واژه شهادت برای عمرو بن قیس توسط رسول خدا ﷺ (قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۱۷-۱۱۸)؛ شهادت به معنای کشته شدن، میزانی برای مشخص نمودن پاداش اعمال و اینکه هر کس بدون گناه بمیرد اجر شهید دارد. (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، ص ۵۲)، هر کس در زمان اختلاف امت به سنت رسول خدا مراجعه کند، اجر صد شهید دارد. (برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ج ۱، ص ۲۷)؛ شهادت به معنای مرگ همگانی انبیاء و اوصیاء (صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۵۰۳).

۱. از جمله بنگرید به: طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۲، ص ۸۴۵؛ سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور، ص ۷۹.

۲. به عنوان نمونه بنگرید به: طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۱۱؛ طوسی، محمد بن حسن، تبيين، ج ۳، ص ۲۵۰؛ فیض کاشانی، ملا محسن، الصافی، ج ۱، ص ۴۶۸.

۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۸۳.

اسلام در مورد اذعان قولی و عملی به حقانیت اسلام می‌باشد.

- معنای دیگری که علامه طباطبایی رحمته الله علیه مطرح کرده، ذیل تفسیر آیه ۱۴۳ بقره می‌باشد که عبارت است از تحمل - دیدن - حقایق اعمالی، که مردم در دنیا انجام می‌دهند؛ چه آن حقیقت سعادت باشد، چه شقاوت، سپس روز قیامت بر طبق آنچه دیده، شهادت می‌دهد و این مقام ویژه‌ای است برای اولیاء طاهرین از مؤمنان که تحت ولایت خدا، واصحاب صراط مستقیم هستند.^۱

درباره این دیدگاه هم باید گفت انحصار معنای شهادت به رؤیت اعمال توسط بزرگان نمی‌تواند درست باشد؛ چرا که در قرآن معانی دیگری از شهادت هم مطرح شده است و قید حقیقی و غیر حقیقی نمی‌تواند این معنا را توجیه و منحصر نماید. ملاک ما معانی گوناگون شهادت در قرآن است، نه معنای حقیقی و غیر حقیقی آن. آنچه علامه رحمته الله علیه می‌فرماید، در واقع به مراتب بالای معنای شهادت در قرآن اختصاص دارد که برای تبیین آن معنا می‌توان به این آیه اشاره نمود: ﴿وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾ (توبه / ۱۰۵) که بر اساس آن خدا، رسول صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام و حتی مؤمنان حقیقی بر اعمال انسان ها علم دارند و این لازمه گواهی آنها بر اعمال این افراد در قیامت است.

- قسم دیگر شهادت به معنای متناسب با فرهنگ عرب عصر نزول است. شهادت در آن برهه به معنای به شخص خود حاضر بودن در یک پیشامد و گواه بودن واقعی بر آنچه نمود یافته^۲، می‌باشد که در آیاتی مانند: ﴿يَا اَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللهِ وَانْتُمْ تَشْهَدُونَ﴾ (آل عمران / ۷۰) این نمود روشن تراست.

درباره مرتبه پایین شهادت - که به معنای حاضر و عالم به مسئله‌ای است که این مسئله در قرآن بیشتر ملاک حقانیت دین اسلام می‌باشد - شاید بتوان این گونه اظهار نظر کرد که شهادت به این معنا و در کل، همیشه با علم صورت می‌گیرد. حال اگر این علم،

۱. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۸۲.

۲. ایزوتسو، توشیهیکو، خدا و انسان در قرآن، ص ۱۰۴-۱۰۵.

علم شهودی و حضوری و بدون واسطه بود این شهادت حقیقی است که در آن غیب وجود ندارد و به پیامبر ﷺ و ائمه اطهار و مؤمنان حقیقی اختصاص دارد، اما اگر این شهادت از طریق علم حصولی و با واسطه عقل و... رخ داد، بالتبع شهادت حقیقی نمی باشد و تنها شهادت واقعی است، آن هم در صورت صحیح بودن و جاری شدنش در عمل شهادت دهنده. برای مثال در آیه: ﴿فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾ (آل عمران / ۵۳)، علمای بنی اسرائیل که به رسالت حضرت رسول ﷺ شهادت دادند، شهادتشان را با عبارت «ما را همراه شاهدان بنویس» ذکر کردند، و از آنجا که شهادت آنها در حد شهادت حقیقی شهودی نیست، آرزو می کنند که همراه شاهدان حقیقی نوشته شوند.

دلالت شهادت در آیه «امت میانه»

شهادت در آیه: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾ (بقره / ۱۴۳) و آیه: ﴿وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدًّا مِنْ قَبْلِ فَصَدَقْتَ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ﴾ * و إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدًّا مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبْتَ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ﴾ (یوسف / ۲۶-۲۷) همانند است؛ چرا که شهادت در این آیه به معنای دیدن رخداد یادشده نبوده است، بلکه وسیله ای بوده برای ثابت شدن حق و خداوند از آن به شهادت تعبیر نموده است. مسلمین در آیه نخست هم با مسلمان بودن و اقرار به اسلام، چه به صورت زبانی و چه عملی برای مردم ثابت می نمایند که دین اسلام برحق است و از این رو ما مطیع آن شده ایم، چنان که این معنا را دیگر قرائن، مانند آیات ذیل نیز تأیید می نماید:

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا﴾ (احزاب / ۴۵).

در این آیه به حضرت رسول اکرم ﷺ شاهد اطلاق شده است، شاهدی برای مسلمین و شاهدی به طور کلی که هر دو معنا گواهی زبانی و عملی دادن به حقانیت الهی و دین اسلام است. این معنا برای حضرت عیسیٰ علیہ السلام نیز به کار رفته است، چنان که درباره آن حضرت آمده که به خداوند عرض می کند:

﴿وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ﴾

در میان دیگر آرای مطرح شده در این آیه، به اعتقاد نگارنده، دیدگاه قرشی بهتر است؛ چرا که با سیاق آیه همسویی بیشتری دارد. قرشی درباره شهادت امت وسط (میانه) معتقد است که وسط دانستن دین اسلام به معنای اعتدال به خودی خود درست است، ولی آیه درباره آن نیست؛ زیرا «لِتَكُونُوا» می‌گوید واسطه بودن برای شهادت است، اما عبارت «وَيَكُونَ الرَّسُولُ» در ادامه آیه، مشخص حضرت رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را از امت بدان معنا خارج می‌کند؛ حال آنکه فرد شاخص مکتب واسطه، وجود آن حضرت است. پس امت وسط امتی است که در یک سوی آن رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و در سوی دیگرش «التاس» واقع است. آن حضرت برای امت وسط گواه است و آنها برای عموم ناس.^۱

پس از توضیحات یادشده، در تأیید دیدگاه ما که با دیدگاه قرشی تطابق دارد، آیه ذیل را بیان می‌داریم:

«و در راه خدا کارزار کنید چنان که سزاوار کارزار کردن برای اوست. او شما را برگزید و در این دین برای شما دشواری ننهاد. آیین پدرتان ابراهیم است و او شما را از پیش و هم در این قرآن مسلمان نام داد تا این پیغمبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید؛ پس نماز گزارید و زکات دهید و به خدا تکیه کنید که او مولای شماست و چه خوب مولا و چه خوب یاور است» (حج/۷۸).

در این آیه صرف نامیده شدن به مسلمین، به عنوان شاهد بودن آنها مطرح شده است. البته شاهد به معنای الگواز لفظ بر نمی‌آید، اما با در نظر گرفتن معنای شهادت در آیه: ﴿وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدًّا مِنْ قَبْلِ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ * وَ إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدًّا مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ﴾ (یوسف/۲۶-۲۷)، می‌توان این معنا از شهادت به معنای گواهی بر حقانیت چیزی حتی به وسیله یک استدلال عقلی را به شاهد بودن مسلمین در مقابل دیگران نسبت داد؛ چرا که دین اسلام با عقل بشر تطابق دارد و بر اساس آیه: ﴿لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾ (ملک/۱۰) می‌توان

۱. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۸۶.

هدایت را عقلی و سمعی نامید؛ چرا که ماده «عقل» بیشتر در نیروی تشخیص خیر از شر و نافع از مضر استعمال می‌شود، البته گاهی هم در غایت و غرض این تشخیص به کار می‌رود، و غرض از تشخیص خیر و شر این است که آدمی به مقتضای آن عمل کند و به آن ملتزم و معتقد باشد، در مقام به دست آوردن خیر و نافع برآید و شر و مضر را ترک کند؛ چرا که :

«اسلام اساس خداشناسی و سعادت و نجات را بر عقل و خرد می‌نهد، و روی سخنش در همه جا با اولوا الالباب و اولوا الأبصار و اندیشمندان و دانشمندان است.»^۱

و «منظور از سمع، استجابت دعوت رسولان، و التزام به مقتضای سخن ایشان است، که خیر خواهان هستند».^۲

بنابراین باید گفت که هدایت عقلی هم خود می‌تواند در گواه بودن مسلمین به حقانیت دین اسلام دلالت داشته باشد.

گواهی دادن شاهدان در روز قیامت و ملازمت آن

در این باره دیدگاه قرشی مورد تأیید ماست :

قرشی معتقد است: شهداء باید در دنیا تحمل شهادت کرده باشند تا در آخرت شهادت بدهند و اگر در دنیا اعمال مردم را نبینند و ندانند، چگونه در آخرت گواهی خواهند داد؟ مثلاً درباره حضرت عیسی علیه السلام که فرموده: «وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهَادَةٌ» (نساء/ ۱۵۳) و درباره رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده: «وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا» (نحل/ ۸۹) اگر این دو بزرگوار در دنیا از اعمال امت خویش با خبر نباشند چگونه در قیامت گواهی خواهند داد؟! اینجاست که باید بگوییم: شهداء در دنیا حتی پس از مرگ از اعمال مردم مطلع می‌شوند. همان‌گونه که اعضای بدن و چیزهای دیگر و ملائکه در دنیا ثبت میکنند و در آخرت گواهی می‌دهند، همچنین شهدای دیگر که عبارت

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۳۳۰.

۲. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۳۵۳.

باشند از انبیاء و اوصیاء.^۱

همچنین سیوطی یکی از موارد شهادت را روز قیامت مطرح می کند: او روایتی را می آورد که مراد شهادت در قیامت است و مسلمین در آن روز شهادت می دهند که پیامبرانی برای نذیر آمدند.^۲

خاستگاه وجودی شهادت حقیقی

حال باید دید مقدمه شکل گیری شهادت حقیقی چیست. شهادتی حقیقی است که در حکم از همه چیز دل بریدن باشد. علامه طباطبایی ذیل آیه: «وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُوَ مِنْ دُونِهَا لَقَدْ قُلْنَا إِذَا شَطَطًا» (کهف/۱۴) کلمه «ربط» را به معنای محکم بستن بیان می کند و ربط بردل ها را کنایه از سلب اضطراب و قلق دانسته، درباره کیفیت شهادت اصحاب کهف می فرماید: شهادت آنها در جمع و علنی بوده»^۳.

با کمی دقت در آیه متوجه می شویم که ربط دادن به قلب اصحاب کهف توسط خداوند که از مصادیق ولایت تکوینی الهی است، مقدمه شهادت زبانی آنها در جمع به صورت علنی شد و سپس شهادت عملی را در پی داشته که همان اعتزال گزیدن آنها از قوم بت پرست می باشد و می توان گفت این دو شهادت؛ یعنی شهادت زبانی و شهادت در گفتار و عمل، به معنای شهادت حقیقی، در آیات مرتبط با اصحاب کهف جمع شده است.

عدم ملازمت شهادت قولی و عملی

اگر بخواهیم برای شهادت قولی و عملی از قرآن نمونه هایی بیاوریم می توانیم به آیه: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ» (آل عمران / ۷۰). و آیه های ۸۲ تا

۱. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۸۶.

۲. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور، ج ۱، ص ۱۴۶.

۳. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۲۵۰.

۸۴ مائده اشاره نماییم. در آیه نخست شهادت قلبی مد نظر است و همان طور که مشخص است براساس این آیه می توان بیان کرد، هیچ ملازمت حتمی میان شهادت قلبی و شهادت حقیقی که در زبان و عمل است وجود ندارد، بلکه شهادتی نزد خداوند پذیرفتنی است که خداوند ویژگی های آن را در آیات ۸۲ - ۸۴ مائده در مورد مؤمنان اهل کتاب بیان می دارد:

﴿وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَسِيصِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ * وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ * وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنظَّمُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ﴾.

براساس این آیات، عدم تکبر در برابر خداوند، گریستن در هنگام شنیدن آیات الهی بر اثر شناخت حق، اقرار به اینکه ایمان آورده اند، تقاضای همراه شدن با شاهدان بودن و امید داشتن به همراه صالحان بودن، از لوازم شهادت حقیقی است.

بررسی احادیث در باب شاهدان در آیه امت وسط

مصدق اتم شهداء از منظر احادیث

در اصول کافی کتاب الحجة بابی است با عنوان: «إِنَّ الْأَئِمَّةَ شُهَدَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ»^۱ و در آن روایاتی نقل شده که امامان علیهم السلام فرموده اند: مراد از امت وسط ما ایم و «شهداء علی الناس» ما هستیم. ما بر مردم روز قیامت شهادت خواهیم داد. همچنین در بابی با عنوان «عرض الأعمال علی التبی و الأئمة علیهم السلام»^۲ روایاتی نقل شده در این باره که اعمال بندگان به حضرت رسول اکرم و ائمه طاهرين علیهم السلام نشان داده می شود و آنان بدین مطلب با آیه: «اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ» (توبه/۱۰) که مراد از مؤمنون امامانند، استدلال کرده اند. بنابراین حدیث باید امت وسط را ائمه اطهار علیهم السلام معرفی

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۱۹۰.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۱۹.

نمود که رسول خدا ﷺ شاهد بر اعمال آنان هستند و شاهد بر اعمال مردم اند. این معنا هم می‌تواند با سیاق آیه سازگاری داشته باشد، البته به صورت مصداق اتم و اکمل؛ چرا که باید گفت این مؤلفه حالتی تشکیکی دارد، به طوری که میزان بالای شاهد بودن به معنای گواه بر اعمال آنها بودن، عبارت است از همان مقام امامان برای دیگران که دارای مقام شهود اعمال هم هستند و از طرفی در مرتبه پایین این مقام برای دیگر مسلمین هم صدق می‌نماید که راهنمای دیگران به وسیله گواهی آنها به حقانیت اسلام توسط زبان و عملشان هستند، البته به شرط آنکه مسلم واقعی باشند، نه اینکه تنها در اسم مسلمان باشند. البته در این مرتبه دیگر شهود اعمال وجود ندارد، اما اینکه این معنا را در دیدن اعمال منحصر بدانیم و در نتیجه این شاهدان را همان ائمه علیهم‌السلام به جز پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که شاهد بر خود ائمه علیهم‌السلام هستند بدانیم، این اشکال بر آن وارد است که با سیاق آیه چندان سازگاری ندارد؛ چرا که سیاق در صدد بیان شهادت مسلمین و جریان تغییر قبله است و نه مقوله امامت. بنابراین توسعه معنایی و مصداقی این آیه به امامت ختم می‌گردد و نه معنای مطابق با سیاق آیه.

ارتباط تبعیت و شهادت

در آیات (۸۲-۸۴ مائده) در ضمن روشن شدن اهمیت شاهد بودن برای اهل ایمان که در آیه: ﴿فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾ (آل عمران/۵۳) صراحتاً به آن اشاره می‌شود باید به یافتن وجه ارتباط آن با تبعیت مطلوب بپردازیم. همان طور که مشاهده می‌شود، صفات افرادی که طلب می‌کنند از شاهدان باشند، در مورد مؤمنان اهل کتاب عبارت‌اند از: قسیس و رهبان بودن، تکبر نداشتن، اینکه هنگام شنیدن آیات قرآن به دلیل شناخت حق چشمانشان گریان شده، دعا می‌کنند که خدا آنها را از شاهدان حقیقی - که شهادت آنها در زبان و عمل و نه تنها در قلب بدون بروز در ظاهر دیده می‌شود - قرار دهد و قائل‌اند به اینکه برای چه نباید به خدا و حق ایمان بیاوریم و نخواهیم که خدا ما را از صالحان قرار دهد. در واقع باتوجه به مضمون این چند آیه باید گفت: بحث تبعیت کردن و عمل نمودن به حق می‌تواند ملاک خوبی برای تشخیص شهادت حقیقی از دروغین باشد؛ یعنی اگر شهادت به مرحله عمل برسد، آن شهادت، شهادت حقیقی محسوب می‌گردد، همان

طور که این آیه این معنا را تأیید می‌نماید: ﴿فَلَا تَشْهَدَ مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا...﴾ (انعام/۱۵۰). از طرفی نباید از یکی از تقابلهای مهم غافل ماند که عبارت است از تقابل مهم تصویری غیب و شهادت که براساس آن، همه هستی در دو قسمت قابل تقسیم است: عالمی که با حواس بشر دیده می‌شود و عالمی که از او پنهان است، همان که به آن عالم غیب می‌گویند. البته این تقابل برای انسان‌هاست و گرنه برای خداوند تنها شهادت وجود دارد.

باید گفت بنا بر توضیحات ارائه شده در قسمت‌های قبلی، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام به دلیل نائل شدن به مقام شهادت حقیقی - که ذکر آن گذشت - بر اعمال انسان‌ها بر حسب علم لدنی غیبی که خدا تا آنجا که بخواهد به آنها داده، آگاه‌اند و شاهد آنها می‌باشند. در واقع این نوعی از شهادت در مقابل غیب است که به اذن خداوند برای رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام که در مرتبه‌ای بالاتر از دیگران و نه به اندازه شهادت خداوند، مطرح است.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار به بررسی روابط بینامتنی و بررسی معناشناسانه مؤلفه شهادت پرداختیم و با یاری جستن از مهارت‌های معناشناسی این نکته بیان شد که: (۱) شهادت بر دو قسم است؛ شهادت قولی و عملی که شهادت قولی به هم‌گرا با عمل و گسسته از آن تقسیم می‌شود. (۲) خطاب خداوند در آیه امت وسط - با توجه به دیدگاه ما - به مؤمنان این است که صحت و سقم همه افکار و عقاید و اعمال مردمان و سایر مذاهب در آیین شما مشخص است و شما می‌توانید نسبت به میزان صحت و فساد آنها آگاهی بیابید. (۳) در مراتب بالای شهادت که به امامان اختصاص دارد، شهادت به معنای گواه عالی بردین و واسطه میان پیامبر و مسلمین در گواهی بردین اسلام می‌باشد و آنان روز قیامت گواهان اعمال باشند.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه علامه طباطبایی (ره).
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع - دارالصادر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.

۳. ایزوتسو، توشیهیکو، *خدا و انسان در قرآن*، ترجمه محمد آرام، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۹۲ ش.
۴. برقی، احمدین محمد، *المحاسن*، دارالکتب الاسلامیه، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ش.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ قرآن*، دارالقلم، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۶. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، *الدر المنثور*، کتابخانه آیه الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۷. _____ و جلال الدین محلی، *تفسیر الجلالین*، مؤسسه النور فی المطبوعات، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۸. صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد*، کتابخانه آیه الله مرعشی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۹. صفوی، کورش، *درآمدی بر معناشناسی*، پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی، انتشارات سوره مهر، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۹۲ ش.
۱۰. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*، ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۱۳. فیض کاشانی، ملامحسن، *الصافی*، الصدر، تهران، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.
۱۴. قرشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۱ ش.
۱۵. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر قمی*، تصحیح و تحقیق مؤسسه جزایری (طیب)، قم، چاپ سوم، ۱۴۰۴ ق.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تصحیح و تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دارالکتب اسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق. دارالحدیث، قم، ۱۴۲۹ ق.
۱۷. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۱۸. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن*، دارالکتب الاسلامیه، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، بیروت، لندن و قاهره، چاپ سوم، ۱۴۳۰ ق.
۱۹. مطیع، مهدی و احمد پاکتچی و بهمن نامور مطلق، «درآمدی بر استفاده از روش های معناشناسی در مطالعات قرآنی»، *پژوهش دینی*، ش ۱۸، ۱۳۸۸ ش.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، *تفسیر نمونه*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ ش.